ایرانیان در آمریکا چه می‌کنند؟

گروه عمده شغلی ۶۰ درصد ایرانیان ساکن در آمریکا در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ مربوط به مشاغل مدیریتی، کسب و کار، علوم و هنر است و اشتغال در بخش تولید، حمل و نقل و جابه‌جایی کالا در رتبه بعدی قرار می‌گیرد. بخش‌های عمده فعالیت ایرانیان ساکن آمریکا در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به خدمات آموزشی، مراقبت‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی تعلق دارد و متخصصان، دانشمندان، مدیران و مدیران اجرایی و مدیران خدمات پسماند نیز رده دوم فعالیت ایرانیان را تشکیل می‌دهند.

مهاجران آسان می‌میرند

سازمان بین‌المللی مهاجرت از سال ۲۰۱۴ اقدام به جمع‌آوری و انتشار آمار مهاجرانی کرده است که در مسیر رسیدن به کشورهای مقصد جان خود را از دست می‌دهند. براساس این آمارها، از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ در مجموع ۱۵ هزار و ۷۹۲ نفر از مهاجران در مناطق مختلف جهان، در مسیر مهاجرت به دیگر کشورها جان خود را از دست داده‌اند. این آمار تنها شامل مهاجرانی است که در مناطق مرزی یا دریا جانباخته‌اند یا قربانی تصادفات جاده‌ای و خشونت علیه مهاجران شده‌اند.

تعداد پناهنده‌های ایران و جهان

وقتی از مهاجرت حرف می‌زنیم این نکته محدود به دانشجویان و مهاجران اقتصادی نیست، بخش قابل توجهی از این افراد را مهاجران اجباری یا همان پناهنده‌ها تشکیل می‌دهند. به گواه آمارهای موجود بیشترین تعداد پناهندگان در جهان تا پایان سال ۲۰۲۰ از کشورهای سوریه با ۶ میلیون و ۶۹۰ هزار نفر، کشور ونزوئلا با ۴ میلیون و ۲۷ هزار نفر و افغانستان با ۲ میلیون و ۵۹۵ هزار نفر بوده است.

در پایان سال ۲۰۲۰، ۱۳۴ هزار و ۷۶۷ نفر از اتباع ایرانی در وضعیت پناهندگی در جهان قرار داشتند که از این لحاظ ایران در رتبه ۲۲ قرار داشت.

به نظر می‌رسد حالا با کاهش محدودیت‌های سفر به دیگر کشورها، در سال پیش رو شاهد افزایش تعداد پناهجویان جدید در جهان باشیم. در سوی مقابل کشورهای ترکیه با ۳ میلیون و ۶۵۲ هزار نفر، کلمبیا با یک میلیون و ۷۳۱ هزار نفر و پاکستان با یک میلیون و ۴۳۹ هزار نفر میزبان بیشترین تعداد پناهنده در جهان تا پایان سال ۲۰۲۰ بودند. ایران هم با میزبانی از ۸۰۰ هزار پناهنده، در رتبه دهم در جهان قرار دارد. این جایگاه در سال قبل از آن یعنی ۲۰۱۹ ششم بود و به دلیل کاهش تعداد پناهنده در سال ۲۰۲۰ حالا به رتبه دهم رسیده است.

چه تعداد از مهاجران متخصص برمی‌گردند؟

موضوع مهاجرت وقتی آسیب‌زننده است که متخصصان مهاجر قصدی برای بازگشت نداشته باشند. اما جالب است بدانیم ما حتی تا ۶ سال پیش وضعیت مهاجرت بازگشتی متخصصان و دانشمندان ایرانی را به طور رسمی پایش نمی‌کردیم و بنابراین آمار دقیق و جامعی در این حوزه تا پیش از این سال وجود ندارد. در دهه اخیر اهمیت موضوع بازگرداندن ایرانیان متخصص برای کشور پررنگ‌تر شده و طرح همکاری با متخصصان و دانشمندان ایرانی غیر مقیم با هدف تسهیل بازگشت آنها توسط معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و مرکز تعاملات بین‌المللی علم و فناوری از سال ۱۳۹۴ به طور رسمی پیاده‌سازی و اجرا شده است. اجرای این طرح، منجر به ایجاد پایگاه آماری منسجمی از متخصصان ایرانی بازگشتی شده است. با این حساب تعداد متخصصان ایرانی بازگشتی از اولین شروع طرح تا سال ۱۳۹۵ با شیب زیاد و از سال ۱۳۹۵ تاکنون با شیب کمتری افزایش یافته است و به ۱۹۸۹ نفر تا پایان فروردین ۱۴۰۰ رسیده است.

چند نفر به مهاجرت فکر می‌کنند؟

موسسه گالوپ از سال ۲۰۰۵ تاکنون، به‌طور منظم پیمایش‌هایی را برای سنجش پتانسیل مهاجرت و تغییر جمعیت بین ۱۶۰ کشور انجام داده که در دوره‌های زمانی دو یا سه ساله نتایج آنها را منتشر کرده است. به‌روزترین پیمایش گالوپ که در پی یافتن پتانسیل رشد جمعیت بزرگسال در صورت برداشته شدن همه موانع مهاجرت در سال ۲۰۱۸ منتشر شده با «شاخص جریان بالقوه مهاجرت» نشان داده می‌شود.

این شاخص به نوعی نشان می‌دهد اتباع کشورهای مختلف چقدر به مقوله مهاجرت فکر می‌کنند؟ اهمیت آشکار این شاخص در جهانی بودن این داده‌ها قرار دارد. این داده‌ها برای بیش از ۱۵۰ کشور جهان جمع‌آوری شده که هیچ شاخصی در حوزه مهاجرت تا این اندازه داده قابل مقایسه بین کشوری فراهم نکرده است. ذیل این شاخص کلی، دو شاخص کاربردی و مفید نیز توسط گالوپ معرفی و اندازه‌گیری شده که یکی «شاخص جریان بالقوه جذب» و دیگری «شاخص جریان بالقوه مهاجرت جوانان» است.

شاخص پتانسیل خالص جذب استعداد، در واقع پتانسیل مهاجرت افراد تحصیلکرده دارای مدرک کارشناسی و بالاتر را می‌سنجد و شاخص پتانسیل خالص مهاجرت جوانان، آن را برای افراد بین ۱۵ تا ۲۹ سال، اندازه می‌گیرد. نتایج آن برای ایران اما هولناک است. بر اساس آخرین پیمایش جهانی گالوپ، امتیاز ایران در شاخص «جریان بالقوه مهاجرت» برابر با ۱۶- درصد، در شاخص جذب استعدادها برابر با ۲۷- درصد و در شاخص مهاجرت جوانان ۱۹- درصد است. جالب است بدانیم امتیازات ایران در همه این شاخص‌ها منفی است و این یعنی اگر محدودیت‌های جابه‌جایی هم حذف شوند، جمعیت کلی ایران، جمعیت استعدادها و جمعیت جوانانی که از کشور خارج می‌شوند بیش از تعدادی است که به ایران وارد می‌شوند. یعنی در صورت حذف محدودیت‌ها، جمعیت کشور ۱۶ درصد، جمعیت استعدادها ۲۷ درصد و جمعیت جوانان ۱۹ درصد کاهش پیدا می‌کند. با ذکر این نکته که نتایج این داده‌ها مربوط به ۴ سال پیش یعنی در فاصله سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ است و همه اتفاق‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رخ داده در ۴ سال گذشته ایران را که می‌توانسته در نتایج آن موثر باشد، شامل نمی‌شود. ایران از میان ۱۵۰ کشور، هشتاد و هفتمین کشور از نظر جذابیت برای مهاجرت افراد سایر کشورها به ایران و ماندن اتباع خود در داخل است.

وضعیت ایران در شاخص قدرت گذرنامه

قدرت و اعتبار گذرنامه‌ها پای ثابت وعده‌های دولتمردان بوده است، البته هر بار اعتبار آن در سال‌های متمادی پایین‌تر آمده است. شاخص سنجش قدرت گذرنامه نشان می‌دهد دارنده گذرنامه هر کشور به چه تعداد از کشورهای جهان می‌تواند بدون نیاز به ویزا سفر کند. بر اساس این شاخص، قدرتمندترین گذرنامه‌های جهان در سه ماهه سوم سال ۲۰۲۱ متعلق به کشورهای ژاپن، سنگاپور، آلمان و کره‌جنوبی به طور مشترک است که نفوذ گذرنامه آنها به ترتیب ۱۹۳، ۱۹۲ و ۱۹۱ است. در بین کشورهای منطقه نیز امارات در رتبه ۱۵، ترکیه در رتبه ۵۶، قطر در رتبه ۵۹، کویت ۶۰، بحرین ۶۸، عمان ۷۰، عربستان سعودی ۷۱، آذربایجان ۸۰ و ارمنستان در رتبه ۸۴ قرار دارند. بر اساس این شاخص، در میان ۱۱۶ کلاس گذرنامه، ایران در رتبه ۱۰۵ و هم‌تراز با کشور سریلانکا قرار دارد که قادر است به ۴۲ کشور بدون نیاز به ویزا سفر کنند. به طور کلی می‌توان گفت که از مجموع ۱۹۹ کشور مورد بررسی در این شاخص، قدرت گذرنامه ۱۸۳ کشور جهان، بالاتر از قدرت گذرنامه ایران است؛ به عبارت دیگر شهروندان ۱۸۳ کشور جهان، به تعداد کشورهای بیشتری نسبت به ایران بدون نیاز به ویزا می‌توانند سفر کنند.

جعبه سیاه مهاجرت در ایران

از تبدیل شدن موضوع مهاجرت به مساله‌ای عمومی و حساسیت‌برانگیز در کشور ایران سال‌های زیادی می‌گذرد. اما طی این سال‌ها به پدیده مهاجرت به عنوان پدیده‌ای پیچیده و چند بعدی و کمتر به صورت علمی و جامع پرداخته شده و همچنان ابعاد مختلف آن ناشناخته است. این امر مانع از شکل‌گیری یک اجماع نظری و گفتمان سازنده نسبت به پدیده مهاجرت در میان سیاست‌گذاران، جامعه علمی و عموم جامعه شده است. به علت فقدان این شناخت و اجماع نظر، درک کلی از پدیده مهاجرت به خصوص در نگاه رسمی و حاکمیتی به شکل یک پدیده منفی و غیرمفید تصویر شده که فرصت استفاده مطلوب از جنبه‌های مثبت این پدیده را از کشور سلب کرده است.

به عبارت دیگر بازتولید چرخه ناآگاهی، بی‌برنامگی و بی‌اقدامی در حوزه مهاجرت، نه تنها باعث کاهش یا رفع اثرات نامطلوب مهاجرت در کشور نمی‌شود، بلکه موجب از دست رفتن تمام منافعی است که این پدیده می‌تواند برای کشور به همراه داشته باشد. مهاجرت پدیده‌ای خاکستری است که می‌تواند اثرات مثبت و منفی زیادی را برای کشور مبدا، مقصد و خود فرد مهاجر به همراه داشته باشد. به عبارت دیگر این انتخاب‌ها و تصمیمات سیاست‌گذاران است که می‌تواند اثرات مهاجرت را در کشورهای مبدا و مقصد برجسته یا کم‌رنگ کند. در واقع در ایران نیز این نوع نگاه و رویکرد به مساله مهاجرت است که می‌تواند تهدیدات بالقوه این پدیده را به فرصت‌های بالفعل برای رشد و تعالی فردی و ملی تبدیل کند.

جایگاه و امتیاز ایران در رتبه‌بندی کشورها براساس شاخص‌های جریان بالقوه مهاجرت

شاخص جریان بالقوه مهاجرت

رتبه	کشور	امتیاز
۱	نیوزیلند	٪۲۳۱
۲	سنگاپور	٪۲۲۵
۳	ایسلند	٪۲۰۸
۴	امارات	٪۲۰۴
۵	سوئیس	٪۱۸۷
۸۷	ایران	٪-۱۶

شاخص جذب استعدادها

رتبه	کشور	امتیاز
۱	قبرس شمالی	٪۴۲۲
۲	نیوزلند	٪۳۲۳
۳	ایسلند	٪۲۹۶
۴	اسپانیا	٪۱۸۷
۵	سنگاپور	٪۱۸۵
۸۷	ایران	٪-۲۷

شاخص مهاجرت (جذب) جوانان

رتبه	کشور	امتیاز
۱	ایسلند	٪۴۵۱
۲	سنگاپور	٪۴۱۰
۳	استرالیا	٪۳۷۸
۴	سوئیس	٪۳۷۲
۵	کویت	٪۳۴۹
۷۷	ایران	٪-۱۹

چه باید کرد؟

هر تصمیم و سیاست کارآمدی باید مبتنی بر پژوهش باشد، پر واضح است که درصد موفقیت هر سیاستی وقتی بیشتر خواهد شد که بتوانیم زمینه پیدایش آن مشکل را آسیب‌شناسی کنیم، این آسیب‌شناسی مستلزم ابزاری است که شامل داده‌های آماری مستند به دست آمده توسط یک پایش باشد. این موضوع درباره موضوع مهاجرت هم مصداق دارد، موضوعی که تا سال‌ها به جای مدیریت آن تنها درموردش تاسف خوردیم. اما حالا داده‌های سالنامه آماری ۱۴۰۰ ابزار لازم در جهت اتخاذ سیاست‌های کارآمد را در اختیار قرار داده است. با وجود این سیاست‌ها سوال مهم این است که حالا باید چه کار کنیم؟

یک باور خطرناک

نداشتن سیاست منسجم در مسیر مدیریت واقع‌بینانه و فرصت محور مهاجرت در کشور در کنار اعلام آمار بی‌پشتوانه و غیر مستند در حوزه مهاجرت‌های بین‌المللی باعث ایجاد یک تصویر ذهنی غیرمنطبق با واقعیت در جامعه ایران شده است. این تصویر ذهنی در میان عموم مردم و حتی مسؤولان کشور باعث القای این تفکر شده که نه تنها ایران کشوری است که بالاترین آمار مهاجرت در دنیا را داراست، بلکه تمام مهاجرت‌های صورت گرفته از این کشور به قصد عدم بازگشت است. متاسفانه این تصویر ذهنی روز به روز در حال تقویت است و باعث عدم پذیرش واقعیت‌ها و شکل‌گیری دوگانه «ماندن در برابر رفتن به قصد عدم بازگشت» شده است. این تصویر ذهنی از آن جهت خطرناک است که نه تنها اعتماد به نفس و امید اجتماعی را کاهش می‌دهد، بلکه مانع از پذیرش اجتماعی و باور به بازگشت مهاجران و متخصصان به داخل کشور می‌شود.

راهبردهای فعال مهاجرتی همسایگان ایران

در حال حاضر کشورهای مختلف در نقاط مختلف جهان و به ویژه کشورهای همسایه ایران با درک صحیح از دینامیسم مهاجرت‌های بین‌المللی در حال تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها در این حوزه هستند. بر همین اساس برخی از کشورهای حوزه خلیج‌فارس و ترکیه به سرعت در حال برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های منسجم برای جذب سرمایه‌گذاران، سرمایه‌های انسانی خلاق و نوآور، دانشجویان و تحصیل‌کردگان در راستای دستیابی به اهداف بلند پروازانه خود در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در افق کوتاه مدت و بلند مدت هستند. برای مثال، برنامه ویزای طلایی کشور امارات که اخیرا از آن رونمایی شد را می‌توان در این چارچوب تحلیل و ارزیابی کرد. در واقع رویکرد این گروه از کشورها بهره‌گیری حداکثری از مزیت‌های نیروی انسانی سیال و متحرک در بازارهای منطقه‌ای است و این موضوع باعث شده است رقابت سنگینی در این حوزه شکل گیرد. بزودی در این بازار رقابتی کشورهایی چون ایران که رویکرد منفعلی در حوزه مهاجرت سرمایه‌های انسانی دارند، دچار خسران‌های غیرقابل جبرانی خواهند شد.

کسب آمادگی برای جذب و به کارگیری دانشجویان بین‌المللی

در دو دهه اخیر تعداد دانشجویان بین‌المللی در جهان از ۲/۱ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ به حدود ۵/۶ میلیون نفر در سال ۲۰۱۸ رسیده و کشورهای مختلف در یک رقابت جدی، برنامه‌های بلندپروازانه‌ای برای جذب دانشجویان بین‌المللی تدارک دیده‌اند. در کشور ما نیز جمعیت دانشجویان خارجی از حدود ۵/۵ هزار نفر در سال ۱۳۹۰ به حدود ۴۴/۳ هزار نفر در سال ۱۳۹۹ رسیده است که نشان از درک اهمیت جذب دانشجویان بین‌المللی و حضور فعال در این بازار رقابتی است. با این وجود، نوعی خلاء راهبرد کلان ملی به عنوان یک مانع جدی در مسیر جذب دانشجویان بین‌المللی و استفاده حداکثری از منافع این بازار مشاهده می‌شود. به دلیل فقدان آمادگی و مهیا بودن زیرساخت‌های زیست‌بوم بازار بین‌الملل آموزش در کشور، این حوزه به شکل کمی گسترش یافته و برنامه مدونی برای جذب و رسوب دانشجویان بین‌المللی و یا سرریز علمی و فناوری آنها در کشور مشاهده نمی‌شود. لازم است که قوانین و رویه‌های این حوزه به روزرسانی، تسهیل، جذاب و رقابتی شوند.

ظرفیت‌سازی داخلی و بازگشت

واقعیت این است که کشور ایران در حال حاضر با مازاد سرمایه‌های انسانی روبه‌روست و مهمترین مساله چگونگی بهره‌گیری از این سرمایه‌های انسانی در راستای نیازها و اقتضائات کشور است. سهم بکارگیری نیروهای تحصیلکرده در بخش‌های مختلف اقتصادی همچنان بسیار پایین است و این معضل به سادگی قابل رفع نیست. در چنین شرایطی سرریز سرمایه‌های انسانی به خارج از کشور اجتناب‌ناپذیر است. در این میان دو راهکار و گزینه سیاستی اصلی وجود دارد؛ راهکار اول افزایش ظرفیت بهره‌گیری از سرمایه‌های انسانی در داخل کشور است که در این راستا «توسعه اقتصاد دانش‌بنیان» با هدف استفاده واقعی از استعدادها و ظرفیت‌های انسانی کشور بسیار کمک‌کننده است.

راهکار دوم، هدف‌گیری «بازار بین‌المللی آموزشی و حرفه‌ای» است که کشورها از آن می‌توانند برای ارتقای کیفیت سطح آموزش و مهارت سرمایه‌های انسانی خود بهره ببرند.

ناشناختگی جامعه ایرانیان خارج از کشور

فارغ از نگاه کمی و آماری به جامعه ایرانیان خارج از کشور که همچنان رقم دقیق این جمعیت محل مناقشه است، متاسفانه تاکنون مطالعات شناختی اندکی پیرامون مشخصات کیفی این جامعه صورت گرفته است. برای مثال، همچنان که کمترین اطلاعات از مشخصات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نسل اول ایرانیان خارج از کشور در دست است، میزان شناخت ما از نسل دوم و سوم مهاجران ایرانی و به ویژه نوع نگاه آنها به کشور ایران نزدیک به صفر است. در حالی‌که مطالعات اندک موجود در این زمینه نشان می‌دهد اکثر نسل اول مهاجران ایرانی متمایل به حفظ ارتباط و تعامل با داخل کشور هستند، اما تاکنون سیاست‌ها و برنامه‌های فعال‌سازی ظرفیت ایرانیان خارج از کشور منسجم و هدفمند نبوده است.

مهاجرت در آینه پنجره جمعیتی کشور

مطالعات جمعیت شناختی نشان می‌دهد کشور ایران در حال عبور از فرصت پنجره جمعیتی خود و در سال‌های انتهایی آن است. متاسفانه در سال‌های اخیر با افزایش فشارهای اقتصادی و اجتماعی، ایران کمترین بهره را از این فرصت در راستای توسعه اقتصادی اجتماعی برده است. با توجه به واقعیت‌های اجتماعی و جمعیتی کشور، به نظر می‌رسد رشد و توسعه کشور بدون بهره‌گیری از سیاست‌های پویای مهاجرتی در جذب استعدادهای ایرانی یا غیر ایرانی خارج از کشور امکان پذیر نخواهد بود. لذا پیش‌بینی مخاطرات جمعیتی و ایجاد زیرساخت‌های نهادی و قانونی لازم برای اعمال به موقع سیاست‌های مهاجرتی با توجه به فرصت‌ها و تهدیدهایی که از سوی کشورهای همسایه ایران متصور است، از ضرورت‌های این حوزه است.

ضرورت ایجاد سازمان ملی مهاجرت

با این‌که کشور ایران برای دهه‌های متمادی پیش و پس از انقلاب، همواره با جریان‌های رفت و برگشتی مهاجرت‌های بین‌المللی در قالب خروج ایرانیان از کشور و ورود اتباع خارجی به داخل کشور مواجه بوده است، با این حال در طول این دوران، متاسفانه کشور فاقد یک سیاست منسجم و چارچوب‌های قانونی به‌روز شده در این زمینه بوده است. این موضوع نه تنها باعث به‌وجود آمدن چالش‌های اساسی در این حوزه شده است، بلکه منجر به از دست رفتن فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی متعدد حوزه مهاجرت شده است. از جمله موارد اضطراری، تدوین و به‌روز رسانی قوانین مرتبط با جنبه‌های مختلف مهاجرت‌های بین‌المللی در کشور از جمله اقامت و تابعیت دوگانه ایرانیان خارج از کشور و همچنین دسترسی شهروندان و اتباع خارجی ساکن ایرانی به تسهیلات مالی و خدمات اجتماعی در کشور است. از آنجا که سیاستگذاری و مدیریت امور مختلف مربوط به مهاجران ایرانی خارج از کشور و نیز رسیدگی به مسائل و چالش‌های پیش روی مهاجران ساکن ایران نیازمند یک نهاد حرفه‌ای است، ایجاد «سازمان ملی مهاجرت» در برهه کنونی بسیار مهم و حیاتی است.